باما که مراست آه و درد آلود
با ما که انس عیش ان جان بود درد
با که جلوه جان جز تو نیست مقصودم
با که از همه جان همین تو لی مقصود

یمین دل علی الرحمن یکون زوالا
الحسن اجمع ما یکون زوالا
الحسن مال الوصال کما تا
من بار بازگاه اشرالا

مطلع

لمان لی ملک مصر والرقیا
وملک کسری وملک ازدم الیمن
وملک بابل الدنیا باجمعها
ملکان لی عوضا عن جنات الجنن

مطلع

ولوان لی فی کل یوم بیلة
بعاطب جنان وملک الکاشرة
لاصبت عندی بجاه بوسه
ازالم کمن عمی لاخصک ناظره

هر که را از خود گرد از سر بود دایم باد
هر که را از عجب دارد در انفس سیاه باد
هر که پای کند در راه ما
پاه باد در راه او هموار باد
هر که او خاری زند در راه ما
خار باد در راه او گلزار باد

حضرت خداوندگار
مجنون پریشان لوام دیگر
سرگشته و حیران لوام دیگر
هر بی سروپا دیگر می دارد
من بی سروسامان لوام دیگر

مولفه

ما کیست اصغر عبید و اخر اهل بیت
و در بجا و عسر و در خط الف وصل و در نجو
از ارباب لا یعرف از رموز من لا یعرف و در عجم نطق
ناپسندیده رجسم

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)